



## ایران، ارمنستان و روسیه: عوامل توسعه روابط

الهه کولایی<sup>۱</sup>

دگرانی از توسعه حضور قدرتهای خارجی در مرزهای شمالی ایران، به دنبال تبلیغات وسیع غرب در مورد منابع نفت و گاز دریای خزر، روندی پرشتاب داشته است. نیازهای شدید جمهوری آذربایجان که دشواریهای اقتصادی دوران اتحادشوروی را با مشکلات ناشی از جنگ قره باغ همراه کرده، سبب تسهیل در توسعه حضور بیگانگان در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران گردیده است. ابعاد گوناگون بهره‌برداری از نفت و گاز منطقه خزر و پیرامون آن بر امنیت ملی ایران تأثیرات فوری دارد. آمریکا در این زمینه از فرصت‌های موجود برای تشدید فشار بر جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته و واقعیت‌های غیرقابل کتمان جغرافیای سیاسی در سیاست‌های آمریکا در این منطقه نادیده گرفته شده‌اند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دگرگونی‌های عمیق جغرافیای سیاسی در منطقه قفقاز نیز به وجود آمده است. کشورهای این منطقه که در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران و مرزهای جنوبی فدراسیون روسیه قرار گرفته‌اند، درگیر در جریاناتی شده‌اند که به طور جدی امنیت ملی و منافع این دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. جنگ در قره باغ و درگیری میان ارمنه و آذری‌ها از جمله مهمترین تحولات در قفقاز پس از استقلال کشورهای این منطقه بوده است.

این اختلاف که ریشه‌های آن به سیاست‌های استالین مربوط می‌گردد، قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از سال ۱۹۸۸ ابعادی روبه توسعه یافت. (۱) قرار گرفتن منطقه

۱. دکتر الهه کولایی، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.

خودمختار قره‌باغ کوهستانی با بیش از ۸۰ درصد سکنه ارمنی در قلمرو جمهوری آذربایجان، نگرانی‌های تاریخی آرامنه و آذری‌ها را تداوم بخشید.

گذشته از اختلافات شدید در مورد قره‌باغ، منطقه قفقاز به عرصه رقابت‌های شدید منطقه‌ای و جهانی برای بهره‌گیری از منابع نفتی در قفقاز، دریای خزر و حتی آسیای مرکزی تبدیل شده است.<sup>(۲)</sup> پس از انعقاد قرارداد دولت آذربایجان با کنسرسیوم شرکت‌های غربی در سپتامبر ۱۹۹۴، تحولات در این منطقه روندی روبه شتاب یافت.<sup>(۳)</sup> به این ترتیب قفقاز به یکی از اولویت‌های اساسی در سیاست خارجی فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و با توجه به دو عامل یادشده، سبب توجه جدی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده است. در این نوشتار کوتاه با در نظر گرفتن مسایل مورد اشاره، عوامل و موانع توسعه روابط ایران، روسیه و ارمنستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ابتدا نگاهی به سیاست خارجی روسیه در سالهای اخیر و تحولات آن خواهیم داشت. در پرتو نگرشهای غرب‌گرایانه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، رهبری فدراسیون روسیه با نگاهی خوش‌بینانه به کشورهای اروپایی و آمریکا، تلاش برای پیوستن به بازار جهانی و نظام بین‌المللی را براساس هنجارهای دموکراتیک غربی آغاز کرد.<sup>(۴)</sup> برخلاف دیدگاههای مثبت در روسیه نسبت به این روند به‌زودی آشکار شد که واقعیت‌های سیاست خارجی آمریکا با نگرش‌های مثبت روسیه همخوانی ندارد. در حالی که در روسیه تلاش برای حفظ فدراسیون از تجزیه به‌عنوان یک سیاست محوری مورد توجه قرار گرفت، برخی گروه‌ها و افراد در آمریکا از جمله برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، سناریوی فروپاشی آن و تجزیه فدراسیون روسیه را در دستور کار قرار دادند. از این دیدگاه، روسیه باید به سه بخش روسیه، سیبری و جمهوری‌های شرق دور تقسیم گردد. این در حالی است که در بالکان، قفقاز، خزر و خاورمیانه نیز بتدریج نشانه‌های اختلافات روسیه با غرب، به‌ویژه آمریکا ظاهر گردیده است. در حالی که رهبری روسیه در پی به‌دست آوردن حیثیت بین‌المللی از دست‌رفته خود بوده، آمریکا سناریوی مهار آن را در مرزهای خود پرورانیده است. تأمین امنیت در اروپا و شکل‌گیری نظام امنیتی جدید آن نیز از دیگر عرصه‌های اختلافات بوده است. به این ترتیب روسیه با دلسرد شدن از برداشت‌های غرب‌گرایانه در سیاست خارجی خود، واقعیت‌های

جغرافیای سیاسی و محور قرار دادن روابط اروپایی - آسیایی را مورد توجه قرار داده است.<sup>(۵)</sup> در مناطق پیرامون روسیه نیز تحولات پس از فروپاشی اتحادشوروی، سبب بروز دگرگونی‌های اساسی در روابط روسیه با این مناطق گردیده است. هرچند در سال ۱۹۹۲ در میان رهبران روسیه نظریه جدایی واقعی منافع روسیه و جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحادشوروی تسلیخ می‌شد، ولی با وقایع تاجیکستان، آبخازیا، قره‌باغ و مولداوی تجزیه‌ناپذیری مفهوم امنیت در این مناطق مورد توجه قرار گرفت. طرح آیین مونروئه روسی بیانگر حساسیت شدید روسیه نسبت به تحولات در جمهوری‌های «خارج نزدیک» می‌باشد، که مهم‌ترین بخش‌های آن جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند.<sup>(۶)</sup> این همجواری ضرورت توجه جدی به تحولات این مناطق را آشکار ساخته است.

در جمهوری اسلامی ایران نیز پس از نابودی نظام پادشاهی وابسته، تلاش برای طراحی و اجرای سیاست خارجی منطبق بر منافع ملی در دستور کار قرار گرفته و نفوذ آمریکا در جهت دادن به آن محور گردید. جمهوری اسلامی ایران با هدف تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای و تقویت روابط با کشورهای همجوار، سعی مستمری در رفع دشواری‌های منطقه‌ای در پیرامون خود آشکار ساخته و نقش مؤثر آن در برقراری صلح و ثبات در تاجیکستان در این زمینه قابل اشاره می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در مخالفت با هرگونه نفوذ خارجی در مناطق پیرامون خود به تلاش دامنهداری برای تأمین صلح و ثبات منطقه‌ای مبادرت نموده و در واکنش به بحران قره‌باغ نیز برای پایان دادن به این بحران اقدامات پیگیری انجام داده است. ویژگی‌های جغرافیای سیاسی و همگونی‌های قومی جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری برای تأثیر بر فرآیندهای منطقه‌ای به این کشور بخشیده است.

ایران با توجه به ضرورت تنش‌زدایی و تحکیم صلح و ثبات منطقه‌ای در قفقاز، به‌طور جدی علایق خود را دنبال می‌نماید. نگرانی از توسعه حضور قدرتهای خارجی در مرزهای شمالی ایران، به‌دنبال تبلیغات وسیع غرب در مورد منابع نفت و گاز دریای خزر، روندی پرشتاب داشته است. نیازهای شدید جمهوری آذربایجان که دشواری‌های اقتصادی دوران اتحادشوروی را با مشکلات ناشی از جنگ قره‌باغ همراه کرده، سبب تسهیل در توسعه

حضور بیگانگان در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران گردیده است.<sup>(۷)</sup> ابعاد گوناگون بهره‌برداری از نفت و گاز منطقه خزر و پیرامون آن بر امنیت ملی ایران تأثیرات فوری دارد. آمریکا در این زمینه از فرصت‌های موجود برای تشدید فشار بر جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته و واقعیت‌های غیرقابل کتمان جغرافیای سیاسی در سیاست‌های آمریکا در این منطقه نادیده گرفته شده‌اند. این امر به نوبه خود سبب بروز تحولاتی در مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران و در قفقاز گردیده، که پس از فروپاشی اتحاد شوروی و توسعه یافتن ابعاد بحران قره‌باغ اهمیت جدی یافته است.<sup>(۸)</sup> هرچند برخی از کشورها سعی کردند به این بحران ابعاد بین‌المللی بدهند، ولی کشورهای منطقه، به ویژه ایران و روسیه، سعی در کنترل آن داشته‌اند. با نگاهی به بحران قره‌باغ و پیامدهای آن، ضرورت‌های توسعه همه‌جانبه روابط ایران، ارمنستان و روسیه آشکارتر می‌گردد. برکناری دولت ایلچی‌بیگ و روی کار آمدن حیدرعلی‌اف از رهبران نظام کمونیستی در جمهوری آذربایجان و اتحاد شوروی، برای برخی از صاحب‌نظران به معنی دگرگونی در سیاست‌های این کشور بود. حیدرعلی‌اف در پاسخ به دشواری‌هایی که در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه بود، به تلاش گسترده‌ای برای باز کردن پای آمریکا و کشورهای غربی به منطقه قفقاز و نیز دریای خزر مبادرت ورزید.<sup>(۹)</sup> انعقاد قرارداد باکو برای بهره‌برداری از نفت دریای خزر در شرایط عدم تدوین نظام حقوقی این دریاچه عظیم، نخستین گام او برای رفع مشکلات پیچیده و متعدد داخلی بود.

بهره‌برداری از نفت دریای خزر به زودی سبب بروز تحولات اساسی جغرافیای سیاسی در مناطق پیرامون این دریا گردید، که از آن جمله به جنگ در چین و توسعه بازی‌های سیاسی در قفقاز می‌توان اشاره داشت.<sup>(۱۰)</sup> حیدرعلی‌اف برای کاهش دشواری‌های داخلی بهره‌گیری از منابع نفتی را به بهای توسعه حضور بیگانگان در قفقاز دنبال کرده است. در این شرایط تلاش‌های ایران و فدراسیون روسیه برای کنترل بحران در قره‌باغ ادامه یافت. با توجه به ناکامی‌های میانجیگری گروه مینسک از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا و اساساً نفوذ فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، به زودی تحت تأثیر اقدامات این دو کشور تلاش جدیدی برای تأمین صلح و ثبات منطقه‌ای شکل گرفت.<sup>(۱۱)</sup>

در این زمینه، نقش و نفوذ ترکیه در تحولات قفقاز نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ترکیه



که پس از فروپاشی اتحاد شوروی در پی تحقق رؤیای پان‌ترکیسم در مناطق جنوبی پیشین اتحاد شوروی، در قفقاز و آسیای مرکزی برآمده بود، به‌زودی با ناتوانی‌ها و محدودیت‌های خود در رشد و تعمیم این ایدئولوژی مواجه شد. این کشور از یک سابقه طولانی تاریخی رقابت با ایران و روسیه برخوردار می‌باشد و در سالهای اخیر نیز شواهد اندکی از پایان یافتن این روند تاریخی وجود داشته است. رقابت‌های ترکیه با روسیه در قفقاز و پیرامون آن ابعاد جدی پیدا کرده است.<sup>(۱۲)</sup> ترکیه نگران از میزان حضور نظامی روسیه در قفقاز، خواستار تقویت تعهدات روسیه در چارچوب پیمان سلاحهای غیرهسته‌ای اروپا شده و برای ایجاد محدودیت علیه روسیه، مشکلاتی در تردد کشتی‌های نفتکش روسی از تنگه‌های بسفر و دارداتل به‌وجود آورده است. در جریان بحران قره‌باغ نیز ترکیه به‌طور جدی در حمایت از جمهوری آذربایجان به فعالیت پرداخته است، این کشور حتی در سال ۱۹۹۲ بخشی از نیروهای نظامی خود را به جمهوری خودمختار نخجوان اعزام کرد و تهدید به مداخله جدی در مسایل درگیری‌های قره‌باغ و ارامنه را مطرح کرد.

در موضوع بهره‌برداری از نفت دریای خزر، ترکیه به‌طور جدی و فعال حضور یافته و در کنسرسیوم باکو توانست سهم خود را افزایش دهد، افزایشی که در پی پذیرفتن مشارکت جمهوری اسلامی ایران در این کنسرسیوم تحقق یافت. ترکیه در امتداد سیاست‌های آمریکا در قفقاز و براساس ملاحظات سیاسی - اقتصادی خود، تلاش برای ارائه مسیرهای انتقال نفت از این منطقه را به‌طور جدی پیگیری نموده<sup>(۱۳)</sup> و در این زمینه تقویت جنبش استقلال‌طلبی چچن را علیه روسیه هدف قرار داده است. ترکیه در مواجهه با جنبش کردهای این کشور، روسیه را به دخالت در امور داخلی خود و بهره‌گیری از شورش اکراد متهم کرده است. کاملاً روشن است که ترکیه در مرزهای جنوبی روسیه می‌کوشد با تقویت نفوذ خود در آذربایجان، دایره نفوذ روسیه را در قفقاز، به‌ویژه بخش جنوبی آن محدود سازد.

به این ترتیب، در مسیر افزایش اختلاف میان روسیه و آمریکا در مورد مناطق پیرامونی روسیه، نقش و نفوذ ترکیه از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. ترکیه برای ایفای بهتر نقش و تأمین اهداف خود، توسعه روابط با اسرائیل را نیز مورد توجه قرار داده است.<sup>(۱۴)</sup> از سال‌های ۹۵-۱۹۹۴ روابط مودت‌آمیز ترکیه و اسرائیل به‌طور جدی مسایل خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است.



اتحاد نظامی آنان، توانست برای بهبود موقعیت اسرائیل در مرزهای شرقی و شمالی خاورمیانه مؤثر واقع گردد. در سال ۱۹۹۶ توافق‌ها ابعاد بیشتری یافت و اسرائیل برای تشدید فشار بر سوریه و جمهوری اسلامی ایران این روند را مورد تأکید قرار داد. اسرائیل تشدید فشار بر ایران را همواره تحت عنوان مبارزه با تروریسم دنبال کرده است، در حالی که خود از برجسته‌ترین مجریان سیاست تروریسم دولتی می‌باشد. ترکیه نیز برای حل و فصل نهایی مسایل اکراد، بهره‌گیری از سیاست‌های سرکوبگرانه اسرائیل را اهرمی کارساز یافته، ایجاد یک حریم امنیتی را مورد توجه قرار داده است. نقش و نفوذ آمریکا در ایجاد و تقویت پیوند میان ترکیه و اسرائیل، دو یار مهم وابسته به خود در منطقه (در مورد اسرائیل شاید بتوان از وابسته بودن آمریکا سخن گفت) قابل تأمل می‌باشد. مانور نظامی سه‌گانه آنها در مدیترانه در ژانویه ۱۹۹۸ در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد. پس از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ این تحول از مهم‌ترین تحولات خاورمیانه بوده است، که به تقویت ترکیه در مرزهای شرقی آن نیز می‌انجامد.

بی‌تردید، ترکیه در راستای حمایت جدی از دولت آذربایجان و مسأله عبور خطوط لوله نفت خزر از منطقه قفقاز، همچنان به تلاش خود برای انتقال نفت از بنادر ترکیه ادامه خواهد داد و رقابت‌های تاریخی با روسیه، ایران و ارامنه این کشور را در این مسیر هدایت خواهد کرد.<sup>(۱۵)</sup> دولت آذربایجان نیز برای رهایی از فشارهای سیاسی - اقتصادی عظیمی که آن را تحت تأثیر قرار داده است، مددجویی از قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای حل مشکلات خود مورد توجه قرار داده است. در این زمینه آذربایجان می‌کوشد از رقابت قدرتهای منطقه‌ای در جهت اهداف و منافع خود سود گیرد. تشدید فشار بین‌المللی بر ارمنستان برای حل و فصل مسأله قره‌باغ از این دیدگاه یکی از اهداف مهم دولت آذربایجان به‌شمار می‌رود. ارمنستان که در میان آذربایجان و نواحی ناامن گرجستان و مرزهای جمهوری اسلامی ایران، بهترین و امن‌ترین مسیرها را از طریق جنوب و مسیر جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار داده است، برای تأمین اهداف ملی و منطقه‌ای خود روابط مودت‌آمیز و همه‌جانبه با ایران را بسیار حیاتی یافته است.<sup>(۱۶)</sup> حضور اقلیت ارمنی در ایران، که در کمال آزادی و امنیت به‌سر می‌برند، بر تحکیم این روابط افزوده است. با توجه به ملاحظات جهانی و منطقه‌ای یاد شده،



به لحاظ نیازهای داخلی نیز جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان قابلیت‌هایی مهمی برای توسعه روابط همه‌جانبه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ارائه کرده‌اند. برای جمهوری ارمنستان مسیر ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در شرایط ناامنی و بی‌ثباتی در قفقاز دارای اهمیت حیاتی است. توسعه خطوط ارتباطی میان دو کشور نیز می‌تواند در مسیر بهره‌مندی گسترده‌تر از ظرفیت‌های موجود برای توسعه روابط مؤثر واقع شود. ایران، ارمنستان و روسیه با توجه به اشتراک منافع گسترده‌ای که در منطقه قفقاز و شمال و جنوب آن به‌دست آورده‌اند، در مسیر توسعه همه‌جانبه این روابط، تأمین مؤثرتر منافع ملی خود را می‌یابند.

### یادداشتها

1. Mark A. Ublig, «The karabakh War», World policy Journal, Vol.X, No.4, Winter 93/94, p.47.
2. Robert V.Barylski, «Russia, The West, and the Caspian Energy» Hub. Middle East Journal, Vol.49, No.2, Spring 1995, pp.222-23.
3. برای اطلاع بیشتر ر.ک. نگارنده، «نقش نفت در تحولات سیاسی آذربایجان»، مطالعات خاورمیانه.
4. برای اطلاع بیشتر ر.ک. نگارنده «روسیه، غرب و ایران»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴.
5. Ronald Dannreuther, «Russia, Central Asia and the Persian Gulf», Survival, Vol.35, No.4, Winter 1993, pp.95-6.
6. Valery V. Tsepka, «The Remaking of Eurasia», Foreign Affairs, Vol.77, No.2, March/April 1998, pp.119-25.
7. George Ienczowski, «The Caspian oil and Gas Basin: A New source of wealth?» Middle East Policy, Vol.V, No.1, Jan.1997, pp.114-15.
8. Barylski, *op.cit.*, pp.220-21.
9. ر.ک. نگارنده، «نقش نفت در تحولات سیاسی آذربایجان»، پیشین.
10. S.Frederick Starr, «Power Failure, American Policy in the Caspian», The National Interest,



No.47, Spring 1997, pp.22-24.

11. Stephen J.Blank, «Russia's Return to Mideast Diplomacy», Orbis, Vol.40, No.4, Fall 1996, p.518.

12. *Ibid.*, p.526.

13. Jan Bremmer, «Oil Politics, America and the Riches of the Caspian Basin», World Policy Journal, Vol.15, No.1, Spring 1998, pp.30-33.

14. Alain Gresh», Turkish - Israel - Syrian Relations and Their Impact on the Middle East», Middle East Journal, Vol.52, No.2, Spring 1998, pp.189-193.

15.«Daring and Caution in Turkish Foreign policy», Middle East Journal, Vol.52, No.1, Winter 1998, pp.36-40.

۱۶. مصاحبه با گایگ آرونیوینان، معاون رئیس جمهوری ارمنستان، به نقل از روزنامه آینده، شماره ۶،

۷۳/۱۱/۲۲ (چاپ باکو)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی